

از جمله مسائلی که در بررسی تاریخ معاصر ایران کمتر بدان توجه شده وضعیت زنان فرهیخته و هنرمند در دوره قاجار است. تنها در کتابهای معدودی چون خیرات حسان، تاریخ عضدی و تذکره نقل مجلس زندگینامه هایی کوتاه و گذرا از برخی زنان دانشمند و ادیب این دوره ذکر شده است، به همین علت جایگاه زنان فرزانه ایران در عصر قاجار ناشناخته و مبهم است. غالباً به سبب عدم تحقیق و تتبع لازم در دوره قاجار چنین تصور می شود که این دوره دوران زنان فرزانه پرور نبوده است، حال آنکه این دوران با وجود تعداد زیادی از زنان ادیب و شاعر و هنرمند و خوشنویس از دوره های زاینده و بارور در تاریخ فرزانهگی زنان ایران به شمار می آید، چیزی که هست بر اثر برخی از شرایط عصر که معمولاً تمایلی به ابراز هنر زنان وجود نداشت بسیاری از بانوان فرزانه معرفی نشده و گمنام باقی ماندند. چنانکه گاه با زنانی شاعر و نویسنده مانند مؤلف کتاب معایب الرجال از آثار مهم نقد اجتماعی در دوره قاجار، مواجه می شویم که آثارشان را بی نام و عنوان به جامعه عرضه می کردند.

گزارشهای سیاحان خارجی و تذکره نویسان ایرانی از شرح حال زنان سخنور و هنرمند این

\* این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد نگارنده در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران است که به راهنمایی آقای دکتر مظفر بختیار و مشاوره آقای دکتر قیصر امین پور به انجام رسید.

دوره چه در دربارها و خانواده‌های رجال و چه در دیگر طبقات جامعه به روشنی بیان کننده کثرت این عده است،<sup>۱</sup> لیدی شل (Sheil) همسر وزیر مختار انگلیس در ایران در دوره حکومت ناصرالدین شاه در این باره می‌نویسد: «زنان طبقه مرفه معمولاً باسواد و با شعر و ادب مملکت خویش آشنایی دارند...»<sup>۲</sup>

از میان زنان فرهیخته و ادب‌ور دوره قاجار می‌توان به کسانی چون طاووس خانم، دلشاد و آغاباجی اشاره نمود که هر سه از زنان فتحعلی‌شاه قاجار و اهل شعر و ادب بودند. نمونه‌هایی از اشعار آنان در کتابهای مختلف تذکره آمده است.<sup>۳</sup> از میان دختران فتحعلی‌شاه کسانی چون ماه تابان خانم ملقب به قمرالسلطنه<sup>۴</sup> و حسن جهان‌خانم<sup>۵</sup> طبع شعر داشتند و برخی مانند عصمت، ام سلمه و ضیاءالسلطنه علاوه بر شاعری هنرمند و خوشنویس نیز بودند چنانکه به گفته اعتمادالسلطنه عصمت در خط نسخ استاد بود.<sup>۶</sup>

در دوره قاجار اغلب بانوانی که به کسب دانش روی آوردند و باسواد شدند از طبع شعر و قریحه ادبی نیز برخوردار بودند و در این زمینه آثاری از خود باقی گذاشتند. عده‌ای دیگر از زنان نیز استعداد خود را در فنون ظریفه و هنرهای زیبا به کار گرفتند و چون خوشنویسی و استنساخ قرآن از هنرهای مورد توجه این عصر بود اغلب زنان هنرمند در جرگه خوشنویسان درآمدند.<sup>۷</sup> از دیگر زنان صاحب نام جهان‌خانم ملقب به مهد علیا است وی به گفته دوستعلی‌خان معیرالممالک، خط ریز و درشت را خوش می‌نوشت، نقاشی و گلدوزی می‌دانست، در نظم و نثر دستی داشت و صاحب کتابخانه خصوصی بود.<sup>۸</sup>

عفت‌السلطنه همسر ناصرالدین شاه و مادر مسعود میرزا ظل‌السلطان نیز از بانوان هنرمند دوره قاجار است بنا بر نقل اعتمادالسلطنه، وی خط شکسته را نیکو می‌نوشت، در علم نجوم و هیئت ماهر بود، شعر می‌گفت و به تصوف و عرفان نیز گرایش داشت.<sup>۹</sup>

در بین دختران ناصرالدین شاه فخرالدوله بیش از دیگران صاحب نام و آوازه است. وی که نویسنده کتابهای زرین‌ملک و امیر ارسلان است در هنرهای نقاشی، موسیقی، خوشنویسی و شاعری مهارت بسیار داشت.<sup>۱۰</sup>

از دیگر بانوان سخنور و هنرمند عصر قاجار می‌توان به کسانی چون رشحه کاشانی دختر هاتف اصفهانی، مریم خانم دختر میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، فاطمه سلطان از نوادگان قائم مقام فراهانی، ملک قاجار دختر محمد میرزا حسام‌السلطنه، ام‌هانی یزدی و حیاتی کرمانی اشاره نمود که شرح حال برخی در کتب تذکره آمده است.<sup>۱۱</sup>

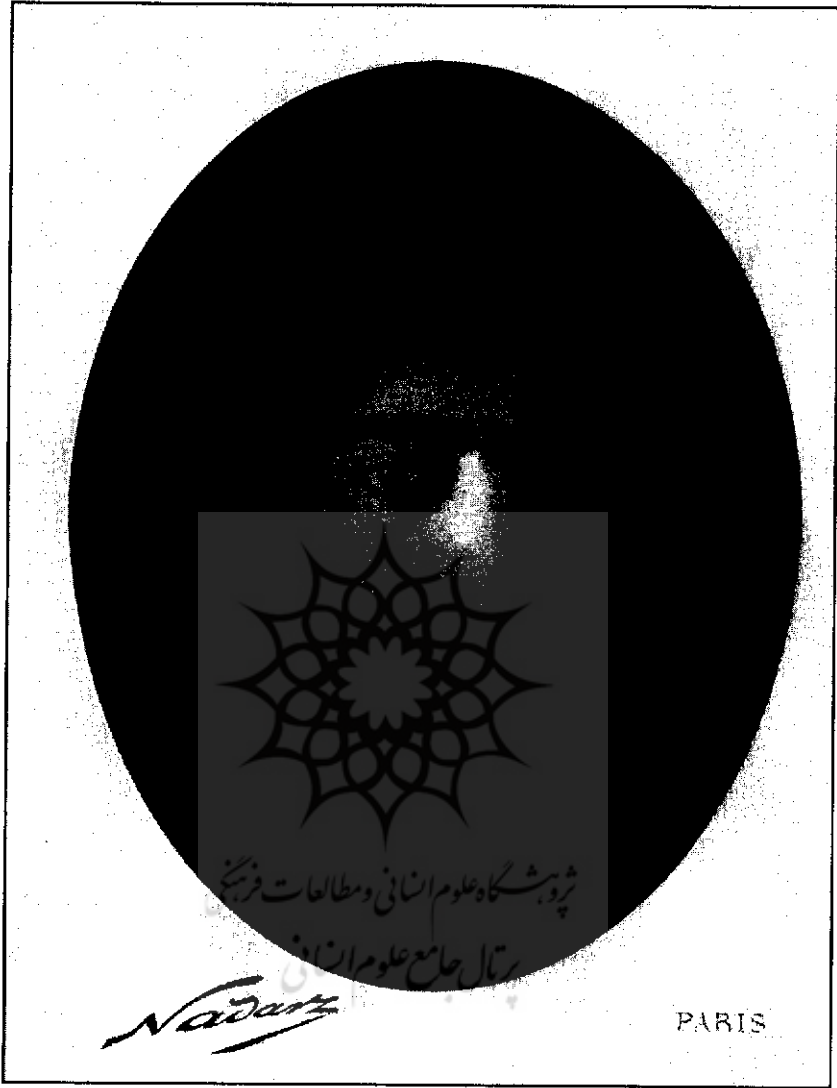
در همین دوره در بختیاری نیز زنانی فرزانه و ادیب و تاریخ‌دان ظهور کردند که غالباً در کتابهای تذکره و سفرنامه‌های سیاحتگران اروپایی ذکری از آنها به میان آمده است.<sup>۱۲</sup> ظهور زنان

دانشمند و ادب‌ور در بختیاری به سبب توجه بسیار بختیارها به آموختن علم و ادب و استعداد فوق‌العاده آنان در تحصیل علم است چنانکه دکتر الیزابت مکبن روز (E. Machben Ross) در این باره می‌نویسد: «زنهای بختیاری استعداد فوق‌العاده‌ای در سواد آموزی دارند و تنها ترس من آن است که اگر آنها به دنبال کسب دانش بروند از کار اصلی خود که همان خانه‌داری و فراگیری حرفه‌های محلی است باز می‌مانند».<sup>۱۳</sup>

از میان بانوان فرهیخته و تاریخ‌دان بختیاری می‌توان به کسانی چون بی‌بی مریم و حاج بی‌بی نیلوفر از دختران حسینقلی خان ایلخانی مشهور بختیاری، حاج بی‌بی زینب و بی‌بی خانم همسر امامقلی خان حاجی ایلخانی و شاخصتر از همه بانوان حاج بی‌بی کوکب دختر نصیرخان سردار جنگ اشاره نمود.<sup>۱۴</sup> در این میان مثلاً وسعت اطلاعات و آگاهی بی‌نظیر بی‌بی خانم دربارهٔ اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در دورهٔ قاجار تا بدانجاست که سر آرنولد ویلسون (Sir A. Wilson) که از ایران‌شناسان و کارشناسان بزرگ خاورمیانه در عصر خود بود و تارباست شرکت نفت ایران و انگلیس نیز رسید در خاطرات خود دربارهٔ او می‌نویسد: «در اینجا باید گفت که من در بین مردم ایران از هر طبقه اعم از ذکور و اناث، حتی در میان رجال سیاسی این کشور کمتر کسی را دیده‌ام که به اندازهٔ این بی‌بی وسعت اطلاعات داشته باشد».<sup>۱۵</sup>

چنانکه اشاره شد از دیگر زنان فرزانه و ادیب بختیاری بی‌بی کوکب است. حاج بی‌بی کوکب بختیار دختر نصیرخان سردار جنگ ایلخانی بختیاری و همسر فتحعلی خان سردار معظم در سال ۱۲۷۱ هـ. ش متولد شد و تحصیلات خود را به راه و رسم قدیم زیر نظر معلم‌های سرخانه که غالباً از بین مدرسان زبدهٔ اصفهان برگزیده می‌شدند با توجه و مراقبت خاص پدر انجام داد و بعد با مطالعهٔ مستمر آثار ادبی و متون تاریخی و دینی و مراوده با علما و اهل ادب تکمیل نمود. بی‌بی کوکب از بانوان فرهیخته و کتاب‌دوست عصر به شمار می‌رفت و نخستین بانوی ایرانیست که به نگارش سفرنامهٔ فرنگستان پرداخته و سفرنامهٔ وی، که نسخهٔ دستنویس آن نزد دکتر مظفر بختیار نوهٔ پسری آن مرحومه موجود است، نمودار وسعت اطلاع و دقت نظر و قدرت و قریحهٔ ادبی و نگارش و انشاء استوار و ادیبانهٔ اوست. بی‌بی کوکب با اهتمام و مراقبتی که در انجام فرائض مذهبی داشت در سال ۱۳۲۷ هـ. ش به مکه مشرف گردید.

آقای عبدالعلی خسروی از مورخان بختیاری دربارهٔ ایشان می‌نویسد: «بی‌بی کوکب از خانوادهٔ خوانین بختیاری و از زنان فاضلهٔ روزگار خود بود. او با سنت شکنی‌های خود تمام کارهای سیاسی و اجتماعی مردان را انجام می‌داد و خاطرات خود را نیز یادداشت کرده که متأسفانه هنوز چاپ و منتشر نگردیده است».<sup>۱۶</sup> در کتابهای تاریخ ایل بختیاری و بختیارها و قاجاریه هم ضمن شرح احوال بی‌بی کوکب در مقام یکی از بانوان دانشور و با فرهنگ به سفرنامهٔ



● بی بی کوکب بختیار

ایشان نیز اشاره شده است. ۱۷

بی‌بی کوکب معمولاً زمستان را در اصفهان و تهران و بقیه سال را در روستای دَرُک و گلینک در چهارمحال و بختیاری بسر می‌برد پس از بزرگ شدن فرزندان و واگذاری دزک به پسران خود بیشتر اوقات در ملک شخصی خود خوشو لنجان که بسیار به اصفهان نزدیک بود اقامت داشت. هنگامی که بی‌بی کوکب در دزک ساکن بود عمارت دزک پذیرای شخصیت‌های مشهور ادبی و رجال بود از دکتر محمد مصدق تا علامه دهخدا و برخی از شخصیت‌های خارجی. به تفصیلی که در احوال دهخدا آمده<sup>۱۸</sup> تألیف لغتنامه و امثال و حکم در دزک و با استفاده از کتابخانه مجهز عمارت دزک آغاز شد. عمارت یا به اصطلاح محلی قلعه دزک از آثار ممتاز معماری و هنری دوره قاجاریه است که نظر به ارزش هنری آن جزو آثار درجه یک حفاظت شده ملی به ثبت رسیده است.

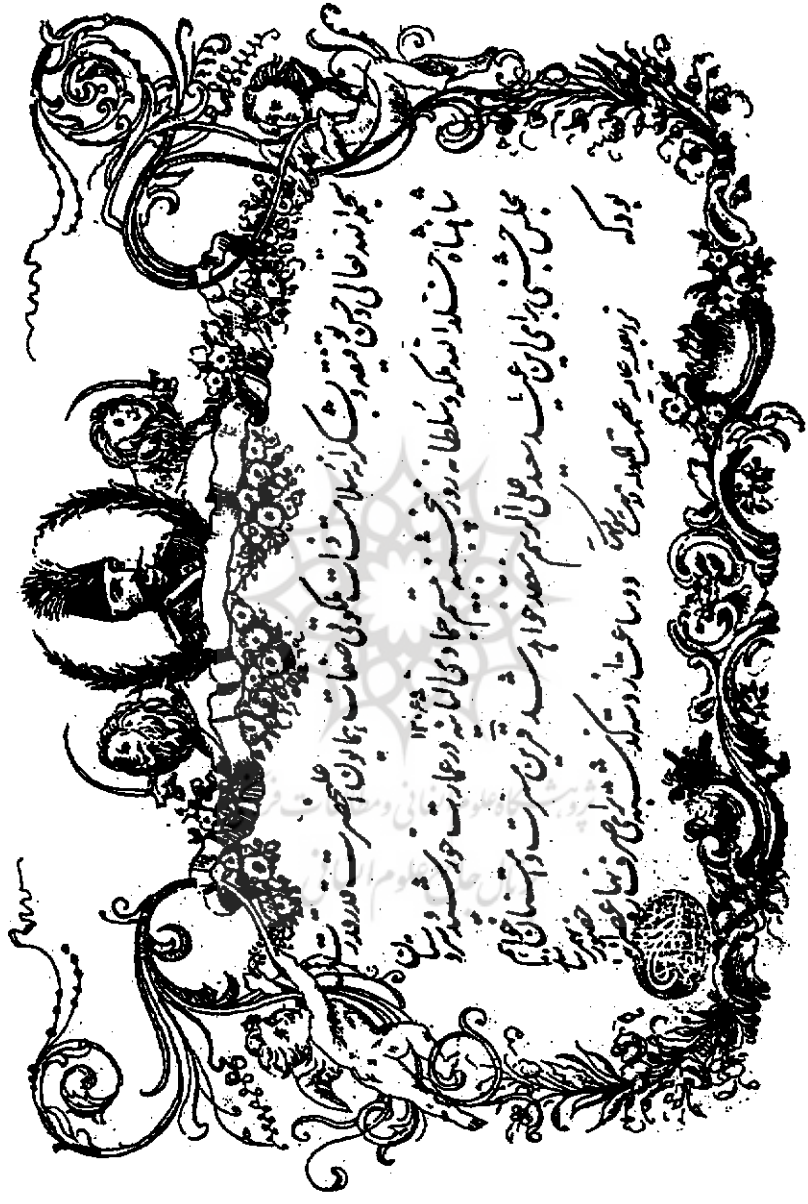
ایجاد اولین کارگاه‌های قالی‌بافی و قلاب‌دوزی به منظور تولید انبوه و ایجاد اشتغال برای زنان دزک در ساعات فراغت از اقدامات مهم بی‌بی کوکب است.

وفات حاج بی‌بی کوکب در اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۹ ه. ش. اتفاق افتاده و آرامگاه آن مرحومه در تکیه میرفندرسکی اصفهان، آرامگاه خانوادگی و اختصاصی بزرگان بختیاری، قرار دارد.

۱۰۲

سفرنامه فرنگستان حاج بی‌بی کوکب چنانکه پیشتر نیز گفته شد نخستین خاطرات و سفرنامه شناخته شده‌ای است که تاکنون از یک بانوی ایرانی سراغ می‌رود و بی‌بی کوکب آن را در شرح سفر فرنگستان که همراه با همسر خود فتحعلی خان سردار معظم که در اواخر سده گذشته به ضرورتی پیش آمده بود نوشته است. در این سفرنامه علاوه بر اعتبار و ارزش ادبی آن بخصوص وسعت اطلاعات و آگاهی و تیزبینی و خودناباختگی و بی‌اعتنایی نویسنده در برابر ظواهر مردم فریب فرنگ و کوشش در حفظ شعائر و آداب و سنن ایرانی و مذهبی بسیار قابل توجه است.<sup>۱۹</sup>

دوره قاجار را می‌توان هنگامه رواج ادبیات خاطره نگاری و سفرنامه‌نویسی دانست در این دوره بسیاری از نویسندگان و بزرگان از خود خاطرات یا سفرنامه‌ای به یادگار نهادند ولی اکثر سفرنامه‌های این دوره از جنبه ادبی و قدرت انشاء و سخن‌پردازی ارزشی ندارد. اما سفرنامه حاج بی‌بی کوکب علاوه بر دقت نظر و تیزبینی نویسنده به نثری پخته و استوار و انشائی ادیبانه به نگارش درآمده است. اشاره به آیات و احادیث و امثال فارسی و عربی، تضمین ابیات مختلفی از شعرایی چون مولانا و حافظ، کاربرد ترکیبات، اصطلاحات و کنایات ادبی و استفاده از انواع سجع و موازنه نمودار وسعت اطلاع و ذوق و قریحه و همچنین تتبع نویسنده در متون ادب



سجده عالی چون قیودت کز اسلامت ذات کجوتی صفات جاویدت  
 شاهانه خست لدا نیکو و سلطان زرخش نیم تمام دادی لایه در عمارت جودت  
 مجلس بنی بامی عیش سعید علی اکرم خند خورشید قرین سرت و پستان خانان  
 بود که ز بریدید عید عهد و عهدی دوساعت دست کز شمشیر زینا عصاره

● رقعہ (کارت) دعوت برای شرکت در جشن سبز (میلاد حضرت فاطمه (ع)) به نام عصمت الدوله دختر ناصرالدین شاه و به مهر منیرالسلطنه (دعوت کننده) همسر ناصرالدین شاه.

فارسی است و خصوصاً تأثیرپذیری نویسنده از کلیله و دمنه و انوار سهیلی که از کتابهای متداول ادبی در آن زمان بود مشهود است.

اینک مقدمه سفرنامه که نشان دهنده آگاهی و هوشمندی و دقت نظر و انشاء ادیبانه حاج بی بی کوکب است:

هو ۲۰

رب یسر و تمم بالخیر

الهی عاقبت محمود گردان ۲۱

روزنامه سفر فرنگستان کمینه کوکب بختیار است

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصد و من نوسفرم  
فحمداً ثم حمداً ثم حمداً<sup>۲۲</sup> که محول احوال بندگان و سبب ساز کار عالمیان  
اسباب و ساز سفر خیریت اثر فرنگ را که اطبا جهت معالجه و صیانت نفس واجب  
دانسته و اقربا بر انجام آن اصرار مؤکد دارند در مرافقت زوج معظم<sup>۲۳</sup> مهیا فرمود. تا  
دو سه ماه قبل از این از همه اسباب سفر فقط عزم سفر در سر بود و خیال خام در  
نظر می نمود ولی بحمدالله به فضل و توفیق الهی وسایل از هر جهت تدارک و  
تکمیل گردید و حالیا خود را نه فقط عازم و جازم بل مسافر روبه راه و راهی پا در  
رکاب می بینم «جرس فریاد می دارد که بر بندید محمل ها»<sup>۲۴</sup>

در سبب سازیش سرگردان شدم و سبب سوزیش هم حیران شدم<sup>۲۵</sup>  
در ابتداء آهنگ سفر خیالی که هراز گاهی قوت گرفته باعث بر اضطراب و  
تشویش و احیاناً فسخ رأی عزیمت می گردید چگونگی حفظ ملبوس و خارج  
نگشتن از زئی معهود<sup>۲۶</sup> و مراقبت در حلیت طعام بود که آنهم بحمدالله با معلومات  
بیشتری که از فرنگ رفتگان و فرنگستان دیدگان با بصیرت و خود اهل فرنگ از امثال  
مادام کوبلوچ و مادام آرماناک<sup>۲۷</sup> که غالباً به منزل آمده ملاقات حاصل می شود،  
استفسار شد مرتفع گردیده. خوراک که فی الجملة نقلی ندارد اگر لقمه پرهیزی<sup>۲۸</sup> و  
احتیاط از مکروه و شبهه ناک واجب آید و لحم طیر مُمَّا یَسْتَهون<sup>۲۹</sup> میسر نشود  
همانقدر که آب و آشی پاکیزه و حلال بهم رسد به امساک و قوت لایموت قانعیم  
«قوت جبریل از مطبخ نبود.»<sup>۳۰</sup>

در باب ملبوس هم خواتین ترکستان<sup>۳۱</sup> و عثمانی و نسوان مسلمان هندوستان و  
مصر و سایر زنان قبله شناس با ملبوس مستور<sup>۳۲</sup> در بلاد فرنگ آیند و روند دارند و  
کسوت ایرانی و هیأت مستوری، پرنا آشنا و انگشت نمادر بین خلق نیست به قول

آقای مستوفی الممالک<sup>۳۳</sup> اصولاً فرنگی جماعت، عادت از خود به غیرپردازی و خصلت غمازی و فضولی ندارد بلکه بالمّرّه خالی از استعداد آنست.

ابتداء و بنای سفر نسوان را به خارجه ناصرالدین شاه مرحوم گذاشت و اول دفعه از زوجات سلطنت عظمی انیس الدوله<sup>۳۴</sup> را که منقطعه ملکه مقام و دربار مدار بود از فرط تعلق خاطر در سفر فرنگ تا روسیه و حدود پطربورغ برد و بنا بر ملاحظات و احتیاطاتی از آنجا عودت داد و مصلحت دید مُلک بانی بر هوای دل سلطانی غالب آمد.

در ثانی زبیده خانم امین اقدس<sup>۳۵</sup> را، عمه عزیز السلطان ملیجک،<sup>۳۶</sup> از صیغه های مجلّه و محترمه که از فرط عقل و کیاست و موقع شناسی و انتهاز فرصت از انتساب به عزیز السلطان در نهایت استقلال نبض شاه را در دست کفایت خود داشت، بنا بر تجویز اطبا و کحالان جهت علاج تاری و کم سوئی چشم با دستگاه لایق و ناظر و خواجه و خدم و حشم به وینه فرستاد اما:

هرچه کردند از علاج و از دوا رنج افزون گشت و حاجت ناروا<sup>۳۷</sup> از اطباء مسیحا دم اروپ کاری از پیش نرفت و کحل الجواهر<sup>۳۸</sup> دواخانه های فرنگ چاره ساز نشد و بیچاره مایوس و مکفوف و تیره چشم و تیره روز برگشت و بعد از آن هم دوامی نیاورد.

البته اینها اشخاص و اُنائیه ای بودند که به اسم و رسم سفر و سیاحت به فرنگستان رفته بودند، جماعت نفی بلد شده یا متواری رفته و گریخته امثال خدیجه خانم<sup>۳۹</sup> والدۀ ملک آرا عباس میرزا زوجۀ محبوبۀ محمدشاه و محسود و فراری دادۀ مهدعلیا و بعضی از شاهزادگان محمدشاهی و فتحعلیشاهی که در مواقع اغتشاشات شاه مرگی<sup>۴۰</sup> و مواضع اتهام، جان و عائله و عیال را برداشته به فرنگ پناه می بردند باب علی حده است.

خود ناصرالدین شاه در اسفار فرنگ متعه ای اختیار کرد و عیال فرنگی<sup>۴۱</sup> دختری زرگیس<sup>۴۲</sup> و سبز چشم بر پایه سریر سلطنت عظمی یادگار تلک الآثار<sup>۴۳</sup> گذاشت. که موی بور و چشم زاغ و صورت قشنگ و قامت خدنگ و آب و رنگ را از طایفه فرنگ رگ برده<sup>۴۴</sup> بود. حضرتعلیه بی بی<sup>۴۵</sup> این کریمه<sup>۴۶</sup> را در بعضی اعیاد مولود حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها به حرف دیده می فرمودند و جاهت و اعتدال اندام و حسن و کمال دختر شیرین کلام خوش حرکات شاه در جمع بریرویان ماه پیکر زیاده جلوه نما بود و چشم ربا می نمود. عید مولود حضرت



دستخط بی بی کوکب بختیار درباره پذیرایی از دکتر مصدق در عمارت دزک واقع در چهارمحال و بختیاری. عمارت دزک اکنون جزو آثار درجه یک میراث فرهنگی کشور به ثبت رسیده است.

مصدق السلطنه هنگام کودتای ۱۲۹۹ و تشکیل کابینه سیدضیاءالدین طباطبائی والی (استاندار) فارس بود و بر اثر اختلاف با سیدضیاءالدین از سمت خود استعفا داد و رهسپار بختیاری شد و تا سقوط کابینه سیدضیاءالدین در چهارمحال و بختیاری ماند. تفصیل عزیمت دکتر مصدق به بختیاری در تقریرات خود او و در خاطرات یاران مصدق و همچنین اسناد و منابع تاریخی آن دوره آمده است.



## عایجه کفری درک خاطر تاسانو

مصدق  
والقائم

از قرآن رضاب آفتاب مصدق السلطنه اطلاع

درک

آیه مختصراً از صحاح فخری مرادند بدین مضمون

مغربت خواهند نمود معرکه مطبق

مفسر که توسط آفتاب درک آینه اطلاع شود

و هدایت تاسانو عجلای اقدام نموده اطلاع

سرور را برای پذیرایی و منزل همیه سافه کالک

فردم را مرتب نموده حاضر باشد بالجله چانه

سی در مراقبت و انتظام و حسن سلیمه بفرماید

و مرفوع کج و کسر اسباب و آفتابیه از طرف

نفره و چینه آلات از لوازم انبار و منزه خانه

بد مصافحه تکمیل ولایت و آب و منزه اند

برگزار کنند زیاده طلب نیست

کوکب بختیار

صدیقه کبری را منیر السلطنه<sup>۴۷</sup> و والده آقای کامران میرزا<sup>۴۸</sup> مرسوم نمود و بعد از او تا مدتی هم به همت و غیرت اولادش هر ساله در روز موعود با تجمل تام و سلیقه تمام بطور زنانه گرفته می شد. انانیه معتبر از شاهزادگان و اعیان درجه اول را با ستره و لباس سر تا پا سبز<sup>۵۰</sup> که به احترام سیادت ام الائمه رسم و شگون مجلس نهاده شده بود با رقع<sup>۵۱</sup> دعوت می گرفتند و ضمن ذکر مناقب اهل بیت اطهار و مداحی و مولود خوانی زنانه و کسب فیوضات روحانی و ذخائر اخروی، موقع و مکانی بود برای خوشباش و بهم رساندن آشنائی و انشاد اشعار خواتین شاعرات و توران آغافخر الدوله<sup>۵۲</sup> مرحوم و فتح باب مرادوات نسوان و مغایبه و دیک و داستان<sup>۵۳</sup> و محل هم چشمی و خود نمائی های معلوم و معهود مجالس زنان.

ایضاً از اقارب و محارم میرزا یوسف صدراعظم<sup>۵۴</sup> شنیده شد با وجود نفرت و کراهت باطنی جناب آقا<sup>۵۵</sup> از جماعت فرنگی و مستفرنگ و خارجه باب، خود آقا عقیده ای<sup>۵۶</sup> از طایفه فرنگ در اندرون داشت که محض بعضی ملاحظات مادام فرنگی را به اسم اغلوطه انداز «خانم مصری»<sup>۵۷</sup> اشتهار داده بودند و زیاده طرف التفات و مورد مهر و الفت آقا بود و مصداق:

دیدنی دلا که آخر پیری و زهد و علم با من چه کرد دیده معشوقه باز من<sup>۵۸</sup>  
 بحکم الناس علی دین ملوکهم<sup>۵۹</sup> تعشق به دلبران فرنگی تا به قسمی دل دوز و  
 عافیت سوز شد که اگر خواجه حافظ در ساحه<sup>۶۰</sup> خیالات باریک و اوهام و  
 اغراقات شاعرانه سمرقند و بخارا را به خط و خال دلارام موهوم می بخشید<sup>۶۱</sup>،  
 یحیی خان مشیرالدوله<sup>۶۲</sup> شوهر عزت الدوله<sup>۶۳</sup> بیوه میرزا تقی خان امیرکبیر در  
 قضیه ترکمان ثروت و خاک وطن را در عالم واقع ارث پدر و پشت قبالة مادر فرض  
 کرده پیرانه سر پا انداز مقدم و نثار لعل لب زوجه ایلچی<sup>۶۴</sup> روس نمود. البته از فرط  
 رعیت داری و دولتخواهی معکوس امناء دولت بازخواستی هم از وزیر با تمکین  
 نشد و با آنهمه ایل و اُبه<sup>۶۵</sup> و خاک که از وطن با آبروی ملک و ملت بر باد رفت آب از  
 آب تکان نخورد؛

خوش دولتی است خرم و خوش خسروی کریم

یارب ز چشم زخم زمانش نگاه دار<sup>۶۶</sup>

بالجمله حالیه اوضاع بکلی تغییر کرده و تردد نسوان از نوابان<sup>۶۷</sup> و طبقات اعیان به فرنگستان متوالی و متواتر گشته و منع صدور تذکره سفر<sup>۶۸</sup> برای نسوان به مثابه همه قواتین و یاساهای<sup>۶۹</sup> این ملک با مفاتیح تحفه پیچ<sup>۷۰</sup> و اتحاف<sup>۷۱</sup> ساعت

قاب طلا و بند ثبت مرصع<sup>۷۲</sup> و انواع خدمتانه<sup>۷۳</sup> و نقدینه و اختراع بهانه که مفتح الأبواب واقعی و مشکل گشای حقیقی و علة العلل<sup>۷۴</sup> همه بی قاعدگی ها و بی چارگی های ملک و ملت است بلا اثر ماند. و تیپ و توپ<sup>۷۴</sup> و زجر و منع هم جلودار و جلوگیر امثال ملکه زوجه<sup>۷۵</sup> مرشد دراویش<sup>۷۵</sup> ظهیرالدوله علیخان<sup>۷۶</sup> نشد. حتی گفته می شود بعضی مخدرات قاصرات الطرف<sup>۷۷</sup> در خاک وطن، در بلاد فرنگ کشف حجاب نموده زلف بر باد داده<sup>۷۸</sup>، فرنگی مآب راه می روند. بر خلاف سابق که اختیار عیال فرنگی در خفا سر می گرفت و آشکار نمی شد و باعث وهن می بود امروزه اسباب امتیاز و موجبات اعتبار و فخر اشخاص شده. دختران مستفرنگ اعیان هم احدی را به دماغ نمی گیرند<sup>۷۹</sup> و سیاه بختی صبا یای<sup>۸۰</sup> فرنگ پرورده و شیر پلنگ خورده<sup>۸۱</sup> نریمان خان قوام<sup>۸۲</sup> و محسن خان مشیر<sup>۸۳</sup> و امثالهم عبرت افزا و بصیرت گشا نمی شود.

به هر جهت، حال که به تفضل و توفیق الهی محظورات مرتفع گردیده و اسباب سفر اولاً محض تشرف به زیارت و دستبوس خدایگان مقامی حضرت ابوی<sup>۸۴</sup> و در ثانی به نیت استعلاج و استقامت مزاج<sup>۸۵</sup> از هر حیث مهیا و آماده شده توکل به درگاه بنده نواز و کارساز حقیقی و التجاء به شفاخانه غیبی دارم ذره ای چشم امید به حکیم جسمانی و اسباب و وسائط دنیوی ندوخته ام بر آنچه بر قلم تقدیر و رقم مشیت و رضای احدیت رفته باشد خشنود و راضی ام به رضای او:

دردم نهفته به زطیبیان مدعی

باشد که از خزانه غیبم دوا کنند

#### یادداشتها:

۱- نک: بروگش هینریش: سفری به دربار سلطان صاحب قران، ترجمه مهندس کردبچه (تهران، ۱۳۶۸)، ص ۱۸۰ و مکین روز الیزابت: با من به سرزمین بختیاری بیاید، ترجمه مهرباب امیری، (تهران، ۱۳۷۳)، ص

۸۶-۹

۲- شل ماری لئونورا: خاطرات لیدی شل، ترجمه حسین ابوترابیان (تهران، ۱۳۶۸)، ص ۸۹

۳- نک: اعتمادالسلطنه محمدحسن خان: خیرات حسان (تهران، ۱۳۰۴ ق)، ج ۱، ص ۱۲ و نیز

عضدالدوله احمد میرزا: تاریخ عضدی، به کوشش عبدالحسین نوائی، صص ۱۴ و ۱۷

۴- نک: اعتمادالسلطنه: همان، ج ۳، ص ۶۹

۵- نک: عضدالدوله احمد میرزا، همان، ص ۲۱

۶- اعتماد السلطنه: همان، ج ۲، ص ۱۸۳

۷- ضیاء السلطنه و ام سلمه از این جمله‌اند. مصاحف، کتب ادعیه و زیارات متعددی به خط آنها نوشته شده است. (نک: عضدالدوله احمد میرزا: همان، صص ۲۵ و ۳۱۶)

۸- یغما، سال ۱۱ (۱۳۳۷)، ش ۱۰، ص ۴۶۲ و نیز نک: اعتماد السلطنه: همان، ج ۱، ص ۹۲

۹- اعتماد السلطنه: همان، ج ۲، ص ۱۸۵

۱۰- نک: همان، ج ۳، ص ۲۲

۱۱- نک: همان، ج ۱، ص ۱۴۴ و ج ۳، ص ۱۹۶ و نیز مشیر سلیمی علی اکبر: زنان سخنور (تهران،

۱۳۳۵)، دفتر دوم، ص ۲۱۸

۱۲- نک: عکاشه اسکندر خان: تاریخ ایل بختیاری، پیشگفتار مظفر بختیار (تهران، ۱۳۶۳)، ص ۴

۱۳- مکین روز الیزابت: همان، ص ۹۱ سخنان مکین روز درباره اهمیت و نقش زنان بختیاری در ایل و مهارت و تبحر و اطلاع آنان در بسیاری از علوم و هنرها بسیار قابل توجه است. (نک: مکین روز: همان، ص ۱۰۰-۸۰)

۱۴- نک: خسروی عبدالعلی: فرهنگ سیاسی عشایر جنوب (اصفهان، ۱۳۸۱)، ص ۳۲۱

۱۵- ویلسون آرنولد: سفرنامه ویلسون (تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران)، ترجمه و تلخیص

حسین سعادت نوری (تهران، ۱۳۴۷)، ص ۲۵۰ سیاحتگران اروپائی دیگری نیز با حاج بی بی خانم و دیگر

بی بی های بختیاری ملاقات نموده و درباره فرهیختگی و دانشوری آنان در خاطرات خویش مطالبی بیان

کرده‌اند. (نک: مکین روز الیزابت: همان، ص ۸۰ و نیز بیشوپ ایزابلا: از بیستون تا زردکوه بختیاری، ترجمه

مهراب امیری (تهران، ۱۳۷۵)، ص ۷۵)

۱۶- خسروی عبدالعلی: همان، سخنان وی به عنوان یک مورخ بومی بیشتر از آن جهت حائز اهمیت است

که برگرفته از اطلاعات محلی و شفاهی است.

۱۷- نک: عکاشه اسکندر خان: همان و میرزائی غلامرضا: بختیارها و قاجاریه (شهرکرد، بی تا)، ص ۱۷

۱۸- نک: دهخدا، علی اکبر: چرند و پرند (تهران، ۱۳۸۰)، ص ۱۱ و بختیار مظفر: دهخدا در بختیاری، در

مجموعه معرفی و شناخت دهخدا (تهران، ۱۳۷۹)، ص ۴-۸۱ و نیز کلک (۱۳۷۵)، ش ۸۳-۸۰، ص

۹۸-۱۰۷

۱۹- عکاشه اسکندر خان: همان، ص ۵

۲۰- افتتاح کلام با «هو» معمولاً نمودار مشرب عرفانی نویسنده است.

۲۱- مصراعی از بیت پایان بخش گلشن راز شیخ محمود شبستری، تمام بیت چنین است:

به نام خویش کردم ختم و پایان

الهی عاقبت محمود گردان

۲۲- ترجمه: ستایشهای بی در پی پروردگار را. مصراع اول از بیت ابوالقاسم خیاط غزنوی از یاران نصرالله منشی است که در سرآغاز کلیله و دمنه آورده شده. (نک: نصرالله منشی: کلیله دمنه، تصحیح مجتبی مینوی (تهران، ۱۳۵۷)، ص ۳؛ شرح اخبار و ابیات و امثال عربی کلیله و دمنه، به تصحیح بهروز ایمانی (تهران، ۱۳۸۰)، ص ۵۱۱)

۲۳- زوج معظم مقصود فتحعلی خان سردار معظم فرزند لطفعلی خان امیر مقنم ایلخانی نامدار بختیاری، همسر بی بی کوکب است.

۲۴- تضمین مصراعی است از این بیت حافظ:

مرا در منزل جانان چه امن عیش چون هر دم

جرس فریاد می دارد که بر بندید محمل ها

۲۵- بیتی است از دفتر اول مثنوی مولانا که در طبع نیکلسون نیامده اما در چاپهای علامه محمدتقی جعفری و محمد رضائی آمده است. (نک: جعفری محمدتقی: تفسیر، نقد و تحلیل مثنوی جلال الدین محمد بلخی (تهران، ۱۳۴۹)، ج ۱، ص ۲۵۲)

۲۶- اشاره به حدیث: مَنْ تَرَى بِعَيْرِ زَيْهٍ فَدَمَهُ هَدْرٌ؛ (کسی که خود را به ریخت دیگر در آورد خون او هدر است)، مجلسی محمدباقر: بحار الانوار (بیروت، ۱۴۰۳ ق)، ج ۶۳، ص ۱۲۸

۲۷- مادام کوپلویچ و مادام آرماناک از زنان خارجی مقیم تهران بوده اند. مادام آرماناک در این سفر به عنوان مترجم همراه حاج بی بی کوکب بوده است.

۲۸- لقمه پرهیزی: رعایت حلال و حرام در خوراک

۲۹- آیه شریفه قرآن: و از گوشت پرنده هرچه بخوانند. (واقعه، ۲۱)

۳۰- مصراعی است از مثنوی، تمام بیت چنین است:

قوت جبریل از مطبخ نبود

بود از دیدار خلاق وجود

مثنوی، طبع نیکلسون، دفتر سوم، ص ۳

۳۱- ترکستان در آن زمان به ترکستان چین و مناطقی از آسیای میانه اطلاق می شده است. بانوان اهل ترکستان به مناسبت ارتباط با روسیه در روسیه و اروپا رفت و آمد داشته اند.

۳۲- ملباس مستور: پوشاکهای پوشاننده

۳۳- میرزا حسن مستوفی الممالک (درگذشت ۱۳۱۰ ه. ش.) رجل برجسته و مشهور و مین دوپست که بارها با خوشنامی به وزارت و صدارت رسید. نوه مستوفی الممالک عروس حاج بی بی کوکب بود.

۳۴- انیس الدوله که در واقع مقام ملکه را داشت از زنان منقطعه (صیغه) ناصرالدین شاه اهل روستای امامه نزدیک تهران بود. اعتبار و مقام او نزد شاه چندان بود که شاه می خواست عقد او را تبدیل به عقد دائم نماید

ولی انیس الدوله که ساعت عقد را با شگون می‌دانست نخواست عقد دائمی را جایگزین آن سازد. انیس الدوله حدود دو ماه پس از قتل ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ ه.ق.) به مرض دق درگذشت. (نک: معیرالممالک دوستعلی خان: یادداشتهایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه (تهران، ۱۳۶۱)، ص ۶۳)

۳۵- امین اقدس از همسران متعه ناصرالدین شاه که بسیار مورد احترام و اعتماد شاه بود و برادرزاده او ملیجک نزد شاه تقرب خاص داشت. امین اقدس در سال ۱۳۱۱ ه.ق. اندکی بعد از بازگشت از فرنگ درگذشت. (اعتمادالسلطنه: روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، با مقدمه و فهرس از ایرج افشار (تهران، ۱۳۵۰)، ص ۹۶۸)

۳۶- ملیجک ملقب به عزیز السلطان و سپس سردار محترم طفلی که ناصرالدین شاه فرزندوار به او علاقه و دلبستگی شدید داشت و دختر خود اختر السلطنه را نیز به او تزویج نمود. از ملیجک کتاب خاطرات مفصلی هم باقی مانده که به کوشش آقای محسن میرزائی به چاپ رسیده است. آقای حسین لعل نیز کتاب مستتلی در احوال او نوشته است. (نک: بامداد مهدی: شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳ و ۱۴ (تهران، ۱۳۴۷)، ج ۳، ص ۵۰-۲۰)

۳۷- مثنوی، همان، دفتر اول، ص ۵

۳۸- کحل الجواهر: سرمه که در آن مروارید ناسفته و دیگر جواهرات انداخته می‌سایند برای روشنی چشم. (از آندراج) و مکفوف به معنی نابینا است.

۳۹- خدیجه خانم کرد چهریقی همسر محبوب محمدشاه و مادر عباس میرزا ملک آرا که مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه بر اثر رقابت‌های زنانه با او مخالف بود و ناچار به ترک ایران گردید. (نک: نوائی عبدالحسین: شرح حال عباس میرزا ملک آرا (تهران، ۱۳۵۶))

۴۰- اغتشاشات شاه مرگی: بحرانها و اغتشاشاتی که بر اثر مرگ شاه به وقوع می‌پیوست.

۴۱- به زن فرنگی ناصرالدین شاه در مظان منابع آن دوره به ملاحظه رعایت افکار عمومی اشاره‌ای نشده است.

۴۲- از این دختر ناصرالدین شاه چنانچه در مورد مادرش نیز اشاره شد در منابع و مراجع متداول آن دوره حتی در سالنامه‌های مفصلی که وزارت انطباعات وقت سالیانه منتشر می‌کرده و مشتمل بر اسامی فرزندان و منسوبان شاه و رجال طراز اول بوده احتمالاً به رعایت افکار عمومی اسمی برده نشده است. دکتر خلیل خان اعلم الدوله ثقفی که به اقتضای شغل خود به عنوان پزشک مخصوص مظفرالدین شاه با دربار قاجار ارتباط نزدیک داشته در کتاب «مقالات گوناگون» صفحه ۲۰۸ از این دختر نام برده و مرحوم حسین محبوبی اردکانی هم در یادداشتهای خود بر کتاب المآثر و الآثار مطلبی در این مورد نوشته است. اشاره به این دختر ناشناخته در سفرنامه حاج بی‌بی کوکب نمودار ارتباطات و وسعت اطلاع ایشان از اوضاع روز است. (نک: محبوبی اردکانی حسین: تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر المآثر و الآثار، به کوشش ایرج

افشار (تهران، ۱۳۸۰)، ج ۲، ص ۴۴۲)

۴۳- تلك الآثار: اشاره است به این بیت عربی که به صورت تمثیل درآمده:

يَلْكَ أَنَاؤُنَا تَدُلُّ عَلَيْنَا

فَأَنْظُرُوا بَعْدَنَا إِلَى الْأَثَارِ

۴۴- رگ بردن: به وراثت بردن

۴۵- حضر تملیه بی بی مقصود بی بی خانم همسر اما مقلیخان اینلخان بختیاری از بانوان فرزانه و با کفایت بختیاری است.

۴۶- کریمه: دختر محترم و الامقام.

۴۷- منیرالسلطنه از زنان با کفایت ناصرالدین شاه و مادر کامران میرزا نایب السلطنه. محله منیریه تهران به اسم اوست. (نک: بامداد مهدی: همان، ج ۳، ص ۲۹۳)

۴۸- برای کسب اطلاع بیشتر درباره کامران میرزا نک: همان، ج ۳، ص ۱۴۹

۴۹- ستره: پوشش

۵۰- درباره جشن سبز نک: معیّرالممالک، دوستعلی خان: همان، ص ۶۳

۵۱- رقعہ: یادداشت، کارت دعوت

۵۲- دیک و داستان واژه‌ای بختیاری است به معنی پشت سر کسی حرف زدن، غیبت کردن

۵۳- توران آغا فخرالدوله دختر ناصرالدین شاه بانوی نویسنده، شاعر، خوشنویس، نقاش و آراسته به هنرهای دیگر از چهره‌های درخشان در تاریخ فرزانی زن ایرانی است. وی نویسنده کتاب مشهور امیر ارسلان و کتاب زرین ملک است، دیوان شعر هم دارد. خانم فخرالدوله در سی و دو سالگی در سال ۱۳۱۰ هـ. ق. درگذشت. در احوال فخرالدوله نک: معیّرالممالک دوستعلی خان: رجال عصر ناصری (تهران، ۱۳۶۱)، ص ۴-۶۱

۵۴- میرزا یوسف صدراعظم مقصود میرزا یوسف مستوفی الممالک پدر میرزا حسن مستوفی الممالک از رجال برجسته و خوشنام دروۀ قاجاریه که تا آخر عمر (۱۳۰۳ هـ. ق.) منصب صدارت داشت.

۵۵- جناب آقا: با توجه به شخصیت و احترام خاصی که میرزا یوسف و فرزند او میرزا حسن مستوفی الممالک داشتند به ایشان مطلقاً جناب آقا خطاب می‌شد.

۵۶- عقیلہ: زن محترم و گرامی

۵۷- برای کسب اطلاع بیشتر درباره خانم مصری و دیگر زنان مستوفی الممالک نک: نیری حمید: زندگینامه مستوفی الممالک (تهران، ۱۳۶۹)، ص ۱۰۵

۵۸- بینی است از حافظ

۵۹- مردم پیرو رهبران خود هستند، حدیث نبوی (نک: فروزانفر بدیع الزمان: احادیث مثنوی (تهران،

۶۰- ساحه: ساحه، میان سرای، فراختای سرای

۶۱- اشاره است به این بیت خواجه حافظ:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را

به خال هندوش بخشم سمرقند و بخارا را

و نیز اشاره است به حکایت ملاقات امیر تیمور با حافظ در شیراز. (نک: دولت‌شاه سمرقندی: تذکره الشعراء،

بتحقیق و تصحیح محمد عباسی، ص ۳۴۱)

۶۲- یحیی خان مشیرالدوله برادر میرزا حسن خان سپهسالار از رجال و وزراء دوره قاجار است. مطلبی که

در ادامه آمده ظاهراً به دوران وزارت خارجه مشیرالدوله و جدا شدن قسمتی از اراضی ترکمن نشین از ایران

اشاره دارد. این مطلب در تاریخنامه‌ها و اسناد متداول دیده نشد فقط در خاطرات عین السلطنه به آن اشاره

شده است و نشان دهنده احاطه حاج بی‌بی کوکب نویسنده سفرنامه بر جریانات تاریخی است.

عین السلطنه سالور در خاطرات خویش می‌نویسد: «این هشتاد هزار آلاچیق و آن زمین و آب بی‌پایان به یک

ماچ که مشیرالدوله مرحوم از زن و وزیر مختار روس کرد به باد رفت، این یحیی خان غیر مرحوم این ولایت

خوب و این جای آباد را از دست داد. در حقیقت میدان مشق ایران بود. به دست خود دشمن به این بزرگی

مثل روس را آوردند و همسایه خود کردند که این طور مدعی شده و آنی آسوده نباشند.» سالور عین

السلطنه: روزنامه خاطرات عین السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار (تهران، ۱۳۷۴)، ج ۱، ص

۷۰۶

۶۳- عزت الدوله خواهر تنی ناصرالدین شاه که نخست به ازدواج امیرکبیر درآمد و پس از طلاق از ازدواج

ناخواسته با نظام الملک پسر میرزا آقاخان نوری به ازدواج یحیی خان مشیرالدوله درآمد. (نک: بامداد

مهدی: همان، ج ۴، صص ۴۳۸ و ۴۳۹)

۶۴- ایلچی: سفیر

۶۵- اُبه: خرگاه و چادر مخصوص ترکمانی که واحد شمارش خانوار در ترکمن است.

۶۶- بیٹی است از حافظ

۶۷- نوابان: شاهزادگان

۶۸- تذکره سفر: گذرنامه

۶۹- یاسا: قانونهایی که چنگیز خان وضع کرد و در دوره مغول به عنوان قانون و مقررات حاکم به کار

می‌رفت ولی بعداً معنی مطلق قانون به خود گرفت.

۷۰- تحفه پیچ به اصطلاح امروز یعنی بسته‌بندی کادوئی

۷۱- اَتْحاف: تحفه دادن



۷۲- بند ثبت مرصع: بند مهر اسم که طبقات متمول نوع مرصع و گرانقیمت آنرا به کار می‌بردند.

۷۳- خدمتانه: انعام

۷۴- تیب و توپ: سرباز و اسلحه، اشاره به فرستادن نظامیان برای جلوگیری از خروج ملکه ایران.

۷۵- زوجه مرشد دراویش مقصود تومان آغا فروغ الدوله ملقب به ملکه ایران دختر ناصرالدین شاه و همسر علیخان ظهیرالدوله است. ملکه ایران در سال ۱۳۲۲ هـ. ق بدون اجازه برادرش مظفرالدین شاه قصد خروج از کشور را داشت که تعدادی سرباز برای جلوگیری به دنبال او فرستاده شد اما نتوانستند مانع خروج او شوند. (نک: سپهر عبدالحسین: یادداشتهای ملک الورخین، به اهتمام عبدالحسین نوائی (تهران، ۱۳۶۸)، صص ۷۸ و ۷۹)

۷۶- ظهیرالدوله علیخان از رجال دوره قاجار و وزیر تشریفات ناصرالدین شاه، ظهیرالدوله همسر فروغ الدوله ملکه ایران بود. وی مشرب عرفانی داشت و پس از میرزا حسن صفی علیشاه به جانشینی او برگزیده شد و انجمن اخوت را تأسیس کرد. گورستان ظهیرالدوله که بعداً مدفن هنرمندان و شعرا گردید آرامگاه اوست. (نک: افشار ایرج: خاطرات و اسناد ظهیرالدوله (تهران، ۱۳۵۱)

۷۷- قاصرات الطرف: زنانی که شرمگانه چشم به زیر می‌افکنند، کنایه از حیا و آرم زن، تعبیری است برگرفته از این آیه شریفه: وَ عِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عَیْنٌ: و نزدشان [دلبرانی] فرو هشته نگاه و فراخ دیده باشند. (صافات، ۴۸)

۷۸- اشاره است به این بیت حافظ:

زلف بر باد مده تا ندهی بر بادم

ناز بنیاد مکن تا نکنی بنیادم

۷۹- به دماغ نگرفتن: اعتنا نکردن (این ترکیب فقط در وجه منفی به کار می‌رود)

۸۰- سیبایا: دختران ج سیبیه

۸۱- شیر پلنگ خورده: پلنگ در فرهنگ ایران نماد تکبر و غرور است. شیر پلنگ خورده در معنی متکبر به کار رفته و به نظر می‌رسد این تعبیر غیر مسبق ساخته خود نویسنده باشد.

۸۲- نریمان خان قوام مقصود نریمان خان قوام السلطنه از سفرا و مأموران سیاسی ایران در خارج که سالها در اروپا اقامت داشته است. کمال الملک در دوران اقامت در فرنگ با دختر نریمان خان ازدواج کرد ولی در مراجعت به ایران به علت ناهماهنگی فکری و فرهنگی از او جدا شد. (نک: سهیلی خوانساری احمد: کمال هنر (تهران، ۱۳۶۸)، ص ۲۴ و نیز بامداد مهدی: همان، ج ۴، صص ۳۳۴ و ۳۳۵)

۸۳- محسن خان مشیر مقصود شیخ محسن خان مشیرالدوله از رجال دوره قاجار است که سالها در عثمانی و کشورهای اروپائی مأموریت سیاسی داشت و فرزندان او تربیت شده فرنگ بودند. معین الملک پسر علیخان امین الدوله با دختر مشیرالدوله ازدواج کرد که به جدایی انجامید. درباره جدایی این زن و شوهر بر

اثر اختلاف فرهنگی ناشی از فرنگی مآبی و تحصیلات زن در فرنگ افضل الملک کومانی شرحی مفصل و خواندنی نوشته است. (نک: افضل الملک غلامحسین: افضل التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان (تهران، ۱۳۶۱)، ص ۱۶۷)

۸۴- حضرت ابوی منظور نصیرخان سردار جنگ پدر حاج بی‌بی کوبک از ایلخانان بزرگ و نامدار بختیاری است. سردار جنگ در سالهای آخر عمر بیشتر در آلمان بسر می‌برد. در بهمن ماه سال ۱۳۱۰ در هامبورگ درگذشت و در مقبره خانوادگی در نجف اشرف بخاک سپرده شد.

۸۵- استقامت در اینجا به معنی تقویت است.

